

قدرت نرم افزاری ایران در

دوران ریاست جمهوری خاتمی (۱۳۸۴-۱۳۷۶)

حسین هرسیج*

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

اعظم ملایی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

(تاریخ دریافت: ۸۶/۱/۲۵ - تاریخ تصویب: ۸۶/۹/۲۰)

چکیده:

این تحقیق در پی آن هست که تأثیر عوامل نرم افزاری را بر افزایش قدرت ملی ایران در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴) بررسی و تجزیه و تحلیل کند. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی به تغییر و تحولاتی که در مفهوم کلاسیک قدرت به وجود آمده، اشاره می‌کند و با بهره‌برداری از روش تحلیلی به رابطه‌ی بین سیاست‌های نرم افزاری دولت آقای خاتمی و افزایش اقتدار ملی ایران می‌پردازد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در عصر انفجار اطلاعات و جهانی شدن، عناصر قدرت نمی‌تواند منحصر به قدرت سخت باشد و علاوه بر عناصر محسوس و ملموس قدرت در حوزه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی، نباید از عناصر نرم‌افزاری و فرهنگی قدرت در افزایش توان یک کشور غفلت کرد. تلاش آقای خاتمی برای تقویت جامعه‌ی مدنی و قانون‌گرایی در عرصه‌ی سیاست داخلی و اتخاذ سیاست تشنج‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها، به عنوان بدیلی در مقابل پارادایم غالب ستیز تمدن‌ها، منجر به افزایش قدرت نرم‌افزاری ایران شد. ارتقای جایگاه و پرستیژ ایران در نظام بین‌الملل، تغییر نگرش و تصویر غیرواقعی از دولت و ملت ایران، تقویت روابط ایران با کشورهای منطقه و اتحادیه اروپا و جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی نیز از نتایج افزایش قدرت نرم‌افزاری ایران در این دوره محسوب می‌گردد.

واژگان کلیدی:

قدرت نرم - جامعه‌ی مدنی - تشنج‌زدایی - گفتگوی تمدن‌ها

مقدمه

منظور از قدرت ملی ایران، مجموعه توانائی‌های مادی و معنوی است که به‌طور بالقوه در دسترس و مورد استفاده‌ی واحد جغرافیایی و سیاسی ایران است (کاضی، ۱۳۶۹: ۱۳۳). با آنکه مفهوم «قدرت» مورد توجه تمام تحلیل‌هایی است که در عالم سیاست انجام می‌گیرد، اما هنوز یکی از بحث‌انگیزترین مفاهیم اجتماعی است. از واژه‌ی قدرت تعاریف گوناگونی به عمل آمده است؛ نویسندگان و اندیشمندان علوم سیاسی از دیدگاه‌ها و زوایای گوناگون و بر اساس نوع فضاها‌ی ذهنی خود، به بررسی پدیده‌ی قدرت پرداخته‌اند. هر یک از این نویسندگان به ذکر بخشی از عوامل و عناصر پرداخته‌اند. با توجه به این تنوع گسترده‌ی موارد استعمال، چنین به نظر می‌رسد که به تعداد نظریه‌ها (تئوری‌ها)، مفهوم قدرت وجود دارد (تلیس، ۱۳۸۳). با وجود این، نکته‌ای که توجه به آن لازم است این است که با بروز انقلاب اطلاعاتی و ظهور عصر فراصنعتی، تحلیل قدرت ملی بر اساس مفهوم کلاسیک دیگر نمی‌تواند به تنهایی کارگشا و مفید باشد. بنابراین در این تحقیق کوشیدیم تا با مد نظر قرار دادن تعریف جوزف نای که قدرت را به دو بعد سخت افزاری و نرم‌افزاری تفکیک می‌کند، قدرت نرم‌افزاری ایران در دوران سیدمحمد خاتمی را مورد بررسی و توجه قرار دهیم. ذکر این نکته ضروری است که طبقه‌بندی و شمارش عناصر قدرت صرفاً یک امر قراردادی است که برای سهولت در شناخت این عوامل به کار می‌آید. هدف اصلی از انجام این تحقیق بررسی تأثیر عوامل نرم‌افزاری بر افزایش قدرت ملی ایران در دوران ریاست جمهوری خاتمی بوده است. سؤال اصلی که این پژوهش حول آن شکل گرفته است. از این قرار است که: «ابعاد نرم‌افزاری سیاست‌های خاتمی چه تأثیری بر قدرت ملی ایران داشته است؟» فرضیه‌ی ما در این پژوهش این است که: «سیاست‌ها و رویکردهای نرم‌افزاری خاتمی سبب افزایش نفوذ و اقتدار ایران در صحنه‌ی بین‌المللی گردیده است».

مطالعه‌ی این پژوهش خواننده را یاری می‌دهد تا علاوه بر درک جنبه‌های نرم‌افزاری قدرت کشور در این برهه‌ی زمانی، درکی واقع‌بینانه‌تر و منصفانه‌تر نسبت به سیاست‌های خاتمی در طول هشت سال دوران ریاست جمهوری‌اش داشته باشد. این تحقیق شامل دو فصل کلی است؛ در فصل اول به بررسی نظریه‌ی جوزف نای در رابطه با قدرت نرم‌افزاری خواهیم پرداخت و در فصل دوم سیاست‌های نرم‌افزاری دولت خاتمی و چگونگی اثرگذاری آنها بر قدرت ملی ایران را مورد مطالعه قرار خواهیم داد و در نهایت نیز به نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود. در این پژوهش از روش‌های توصیفی و تحلیلی برای تجزیه و تحلیل مطالب و از

روش کتابخانه‌ای و منابعی مانند کتاب‌ها، مجلات، و مقالات اینترنتی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌شود.

فصل اول: قدرت نرم

همراه با تحولات سریع و شگفت‌انگیز اطلاعاتی و ارتباطی و تحول ماهیت قدرت، برخی از اندیشمندان از جمله جوزف نای از اشکال دیگر قدرت در عصر فرا صنعتی نام برده‌اند. نای در تقسیم‌بندی خود از قدرت، برای نخستین بار واژه‌ی قدرت نرم را در برابر قدرت سخت مطرح می‌کند (Hard-Soft power, 2005). وی معتقد است: «قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل دهی به ترجیحات دیگران بدون استفاده از زور». شخصیت جذاب، فرهنگ، ارزش‌ها و سازمان‌های سیاسی دارای مقبولیت و سیاست‌هایی که دارای مشروعیت و اعتبار اخلاقی هستند، تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و بطور کلی سرمایه‌هایی که جذابیت را ایجاد می‌کنند، از نظر جوزف نای از منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم هستند (Nye, 2004: 35).

نای با تفاوت قائل شدن بین قدرت نرم و نفوذ اذعان می‌دارد که نفوذ می‌تواند دربرگیرنده‌ی قدرت سخت، تهدیدها و پرداخت‌ها نیز باشد، اما در قدرت نرم از ابزار رایج متفاوتی - نه زور و نه پول - برای ایجاد همکاری استفاده می‌شود و از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و الزام به همکاری برای رسیدن به همه‌ی این موارد سود می‌جوید (Smith, 2000: 52-57). نای با اشاره به انقلاب اطلاعات معتقد است شرایط بروز قدرت نرم طی سال‌های اخیر به شکلی باورنکردنی تغییر کرده است. انقلاب اطلاعات و جهانی‌سازی جهان را دستخوش تغییرات بنیادین نموده است. انقلاب اطلاعات، جوامع و شبکه‌های مجازی را موجب شده که مرزهای کشورها را در هم نوردیده‌اند تا همکاری‌های فراملی و عاملان غیرحکومتی نقش‌هایی مهم‌تر ایفا کنند. رهبری سیاسی به رقابتی برای جذابیت، مشروعیت و اعتبار بیشتر تبدیل شده است (نای، ۱۳۸۴: ۱۰).

جوزف نای معتقد است برای بهره‌مندی حداکثری از این دوره‌ی اطلاعاتی باید ابزارهای زیر را در اختیار داشت:

۱. کانال‌های چندگانه‌ی ارتباطی؛
۲. سنت‌ها و ایده‌های فرهنگی که به نرم‌های جهانی غالب نزدیک باشند؛
۳. اعتباری که با ارزش‌ها و سیاست‌ها افزایش یابد.

در نهایت وی نتیجه می‌گیرد که قدرت در عصر اطلاعات، نه فقط از قدرت سخت، بلکه از آمیزه‌ای از هر دو قدرت (سخت و نرم) ناشی می‌شود (Brooke, 2000: 13؛ خرازی، ۱۳۸۴).

به‌طور کلی برخلاف نظریه‌پردازان سنتی و مدرن که بیشتر بر عوامل محسوس و سخت‌افزاری قدرت تأکید داشتند، در نظریات پست مدرن، قدرت ماهیتی چند لایه می‌یابد و دارای مرکزیتی نیست، نظریه‌پردازان این گروه افرادی نظیر فردریک نیچه (Friedrich Nietzsche)، مارتین هایدگر (Martin Heidegger)، میشل فوکو (Michel Foucault)، و ژان فرانسوا لیوتار (Jean-Francois Lyotard) هستند. در نظریات نو پست مدرن نیز تأکید بیشتر بر اقتدار به جای قدرت و اعتقاد به نرم‌افزاری و فرهنگی شدن ماهیت قدرت است. این نظریه‌پردازان که تأملات نظری خود را به اقتضای توجه به خلاقیت‌ها و انگیزش‌های فردی انسان تدوین می‌کنند، سطح بازی جهانی و یا تعامل قدرت در سطح جهانی را بین فرد تا عرصه‌ی جهانی می‌دانند و معتقدند با جایگزین کردن "منیت تدبیرساز" (EGO) قسری انسان به جای عکس‌العمل طبیعی و فرو عقلی، وی قادر است کمیت زندگی و دستاوردهای آن را بهبود بخشد (سیف زاده، ۱۳۸۴ ج: ۲۱).

فصل دوم: قدرت نرم افزاری ایران در دوران خاتمی

پس از بررسی آرای جوزف نای در باب قدرت، به لحاظ جامعیت نسبی و شمولیت گسترده‌ی تقسیم بندی وی از پدیده‌ی قدرت، ما نیز در این پژوهش به بررسی سیاست‌ها و مؤلفه‌های نرم افزاری قدرت ایران در دوران ریاست جمهوری خاتمی و تأثیر آنها بر افزایش قدرت ملی ایران خواهیم پرداخت. در این بخش به مسائلی همچون میزان بهره‌مندی ایران از فناوری اطلاعات و ارتباطات و نقش دیپلماسی، فرهنگ و دموکراسی در افزایش پرستیژ و اقتدار ایران در دوران خاتمی پرداخته می‌شود.

۱-۲- بهره‌مندی ایران از فناوری اطلاعات و ارتباطات

با تحول قدرت از نظامی به اقتصادی و از اقتصادی به دانایی، ارتباطات و فرهنگ، شکل و ماهیت قدرت نیز دچار تغییر و تحول شده است. دانشمندان، پیشرفت‌های حیرت‌انگیز دهه‌های اخیر در زمینه تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطی را زمینه‌ساز عصر تازه‌ای در فرایند تحول تمدن بشری به نام «عصر اطلاعات» می‌دانند (King, 1991:1). در این دوران، ارتباطات و تکنولوژی اطلاعاتی نه عنصری در کنار سایر عناصر، بلکه محور و مدار و اساسا موتور پدیده «جهانی شدن» است، زیرا جهانی شدن ارتباطات در هزاره سوم میلادی، تقریبا تمامی گستره‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زندگی بشر را بیش از پیش تحت تاثیر قرار خواهد داد (Henderoom, 1989:89). طاهری (۱۳۸۳).

تحول تکنولوژی ارتباطات و ماهواره‌ها، ایجاد دهکده‌ی جهانی و محدود شدن حیطه‌ی حاکمیت و استقلال دولت‌ها تنها بخشی از پیامدهای انقلاب اطلاعات می‌باشد. تحولات نشان

داده است که نظم نوین جهانی در حال ظهور، فرصت‌ها و چالش‌های متعددی را برای کشورهای جنوب از جمله ایران ایجاد کرده است. بنابه گفته‌ی تافلر و همسرش، نظام جهانی قرن بیست و یک مرکب از سه دسته از کشورها خواهد بود که آنها را موج اولی، موج دومی و موج سوم می‌خوانند (تافلر، ۱۳۷۲: ۴۵). کشورهای موج اولی کمترین ارتباطات و مناسبات را با جهان بیرون دارند و سرعت تحولات در آنها کند است. در نتیجه این کشورها بیشتر سرگرم تأمین نیازهای اولیه‌ی مردمان خویشند. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران تا سال ۱۳۶۸ در موج اول قرار داشت اما پس از سال ۶۸ به سوی موج دوم حرکت کرده است (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۳-۱۵۴).

در ایران آغاز فعالیت شبکه‌های الکترونیکی به سال ۱۳۶۶ برمی‌گردد یعنی زمانی که یک شبکه‌ی اطلاع‌رسانی خصوصی به نام سروش فعالیت خود را در چارچوب شرکت طرح و توسعه سیستم‌ها آغاز نمود. مرحله‌ی اصلی گسترش فعالیت ارتباطی به سال ۱۳۷۱ ربط دارد، زمانی که شرکت مخابرات، مرکز ارتباطات دیتا را ایجاد نمود. از جمله فعالیت‌های عمده‌ی این مرکز تأسیس شبکه‌ی ملی اطلاع‌رسانی «ایران پک» (Iran Pac) (اطلاع‌رسانی تصویری و صوتی ملی کشور) است که امکان دسترسی به بانک‌های اطلاع‌رسانی بین‌المللی و ملی را سازماندهی کرد. شبکه‌ی «ایران پک» امکان دسترسی به «مینی‌تل» را نیز فراهم آورده و پیش‌بینی می‌شد که حداکثر ۱۰ میلیون مشترک بتوانند با تمامی پایگاه‌های اطلاعاتی موجود در آن ارتباط داشته باشند. ارزیابی منابع دولتی پس از یک دهه از فعالیت شبکه‌های اطلاع‌رسانی کشور در سال ۱۳۷۹ طبق گزارش معرفی مراکز اطلاع‌رسانی برابر با ۴۱ واحد بوده است که در ۶ گروه عمده علوم و فنون، صنعت و انرژی، فرهنگ و هنر، جوانان و زنان، رسانه‌ها و روزنامه‌ها، و نشر و اطلاع‌رسانی طبقه‌بندی شده‌اند. در سال مزبور، تعداد سرویس‌دهندگان دولتی و خصوصی اینترنت برابر با ۲۳ واحد بوده که تعداد قابل توجهی نیز در این عرصه به عنوان واسطه عمل می‌کرده‌اند (محسنی، ۱۳۸۰: ۱۹۳-۱۹۴).

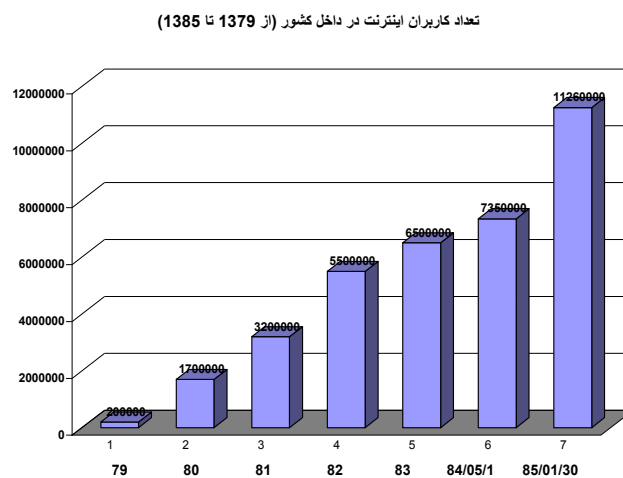
شکوفایی برنامه‌های فناوری ارتباطات در ایران از اوایل دهه‌ی ۸۰ شمسی توسط دولت خاتمی، آغاز گردیده و دگرگونی‌های فزاینده‌ای را در برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت در سطح تصمیم‌گیری‌های اجرایی پدید آورد (شعبانی، ۱۳۸۳: ۸). البته باید توجه داشت که ایران در این مقطع زمانی در شرایط تاریخی حساسی قرار داشت، از یکسو درگیر چالش‌های توسعه ملی مبتنی بر پذیرش دموکراسی بوده و از سوی دیگر در کنار این تعارضات داخلی، شاهد روند رو به رشد جهانی‌سازی و شکل‌گیری «نظام اطلاعاتی جهانی» بود که عرصه اصلی و اولیه آن فضایی به نام «اینترنت» با گرایش اصلی ساختار شکنی فرهنگی و سیاسی می‌باشد (صدر، ۱۳۸۲: ۹). دولت خاتمی با آگاهی از نقش برجسته‌ی اطلاعات و ارتباطات در نظام نوین

جهانی، کوشید تا ایران را با سیر تحولات جهانی همسو و هماهنگ سازد. از جمله ی این فعالیت‌ها آغاز به کار دانشگاه های مجازی در بخش آموزش عالی بوده است. به عنوان نمونه دانشگاه علم و صنعت و دانشگاه تهران قوانینی را تدوین کردند که بر اساس آن اساتید دانشگاه موظف شوند درس های خود را روی شبکه اینترنت قرار بدهند. همچنین دانشگاه اینترنتی کیش از مهرماه ۸۰ شروع به فعالیت کرده است (آموزش الکترونیکی در ایران، مهر ۱۳۸۰). و طرح هایی همچون، طرح دولت الکترونیک (سیستم، شبکه مجازی، قانون و امنیت)، طرح گسترش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش و توسعه مهارت دیجیتالی نیروی انسانی کشور، طرح گسترش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، طرح کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه خدمات اجتماعی، و طرح گسترش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در اقتصاد، بازرگانی، تجارت همراه با تدوین آیین نامه در برنامه ی کار دولت قرار می گیرند (آیین نامه نحوه اجرای...، ۱۳۸۱/۴/۹). همچنین در سند چشم انداز بیست ساله که در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسید بر توسعه دانایی محور، تولید علم و فناوری و گسترش تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات، تأکید شده است (میرزا امینی، مهر ۱۳۸۴).

در مورد توسعه فناوری اطلاعات دو نگرش عمده در استراتژی کشورها وجود دارد: "توسعه صنعت فناوری اطلاعات" و "توسعه کاربری فناوری اطلاعات". جمهوری اسلامی ایران در دوران خاتمی برای اینکه در چه مسیری وارد شده و سرمایه گذاری نماید استراتژی مشخص نداشت ولی در هر کدام از این ابعاد و رویکردها تلاش هایی را انجام داده است. برای نمونه در بخش صادرات به بازارهای فناوری اطلاعات، می توان به فعالیت های شورای عالی انفورماتیک در کمک به تأسیس کنسرسیوم صادرات نرم افزار (ثنارای)، پروژه ی SWP و ایجاد بسترهای همکاری نرم افزاری ایران و اتریش با حمایت دفتر همکاری های فناوری ریاست جمهوری و همچنین فعالیت های شرکت شهرک های علمی- صنعتی در ایجاد برج صادرات نرم افزار اشاره کرد. در گروه دوم نیز فعالیت هایی انجام شده که در این میان می توان به شعار طرح تکفا که تقویت موقعیت در اقتصاد جهانی است، تلاش هایی که برای ایجاد اشتغال به کمک فناوری اطلاعات و اصلاح سیستم اداری و اطلاع رسانی انجام شده است و همچنین فعالیت های توسعه فناوری اطلاعات در قوه ی قضائیه اشاره نمود (دیبايي اصل، ۱۳۸۲/۱/۲۶). اتحادیه جهانی ارتباطات (International Telecommunication Union) گزارشی را در سال ۲۰۰۴ منتشر کرد که در آن کاربران اینترنت، تعداد مشترکین تلفن همراه و تعداد خطوط تلفن ثابت را شاخصه های فاصله دیجیتالی اعلام کرد. بر همین اساس ۵/۷ میلیون نفر در ایران کاربر اینترنت هستند و ضریب نفوذ اینترنت در کشور ما در میانه آذر ۱۳۸۳، ۱۰/۵ درصد بوده

است. البته آماری که در این زمینه منتشر می‌شود بسیار پراکنده و متناقض است به طوری که شرکت فناوری اطلاعات (دیتای سابق) تعداد کاربران اینترنت در داخل کشور تا پایان فروردین ماه ۱۳۸۵ را ۱۱ میلیون ۲۶۰ هزار نفر اعلام کرد. جدول زیر تا حدودی وضعیت ایران در این حوزه را مشخص می‌کند.

جدول ۱-۲: تعداد کاربران اینترنت در ایران

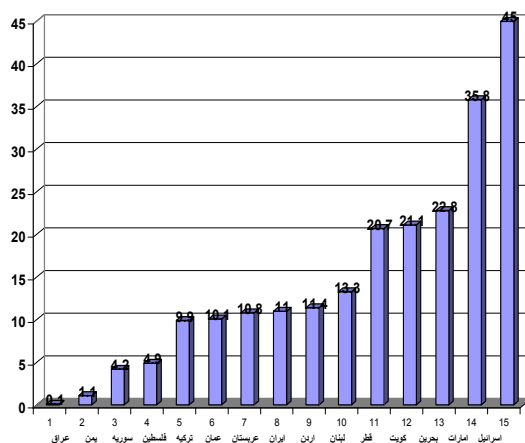


منبع: <http://www.itmportal.com>

این در حالی است که این ضریب نفوذ در کشورهای در حال توسعه ۶/۷ درصد و در میان توسعه یافته ها ۵۳/۸ درصد است و میانگین متوسط جهانی نیز ۱۳/۸ درصد اعلام شده است. سنجش وضعیت ایران با برخی از کشورهای خاورمیانه، به درک موقعیت ایران در حوزه ی فن آوری اطلاعات کمک می‌کند.

جدول ۲-۲: ضریب نفوذ اینترنت در کشورهای خاورمیانه

ضریب نفوذ اینترنت در بعضی از کشورهای خاورمیانه (دی ۱۳۸۳)

منبع: <http://www.itmportal.Com>

همچنین آمارها نشان می‌دهد تا سال ۱۳۸۳ به ازای هر ۲۹۵ دانش‌آموز متوسطه یک دستگاه رایانه در دبیرستان‌ها و به ازای هر ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ دانش‌آموز در کل مقاطع یک رایانه موجود بوده است (برگزاری هم‌اندیشی...، ۱۳۸۱: ۵۴).

جدول ۲-۳: بررسی آماری کامپیوترهای شخصی در کشورهای توسعه یافته و در حال

توسعه نسبت به جمعیت

نام کشور	جمعیت (میلیون)	تعداد کامپیوتر (دستگاه)
ایران	۶۶/۶	۴۲۰۰۰۰
بنگلادش	۱۳/۳	۱۵۰۰۰۰
مالزی	۲۲/۶	۵۷۰۰۰۰۰
سنگال	۱۰/۵	۱۰۰۰۰۰
ترکیه	۶۷/۳	۲۵۰۰۰۰۰
فرانسه	۵۹/۷	۱۶۹۷۰۰۰۰
ایالات متحده آمریکا	۲۸۰/۵	۱۶۸۶۰۰۰۰۰

منبع: شعبانی، ۱۳۸۳

از نظر تعداد خطوط تلفن ثابت ایران با ضریب نفوذ ۲۸/۰۸ درصد از متوسط جهانی ۱۸/۸ درصد بالاتر است. در حالیکه متوسط این ضریب نفوذ در میان کشورهای توسعه یافته ۷۶/۸ درصد است که از این لحاظ ایران در جایگاهی ضعیف قرار دارد (شعبانی، ۱۳۸۳). در گزارش توسعه مخابرات سال ۲۰۰۳ که در پائیز آن سال در آستانه برگزاری «اجلاس جهانی سران درباره ی جامعه اطلاعاتی» از سوی اتحادیه جهانی ارتباطات در ژنو انتشار یافت، مدل «شاخص دسترسی دیجیتالی» مطرح و ارایه شد. در این مدل چگونگی و میزان کاربرد اینترنت در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مشخص شده است. در مدل شاخص دسترسی دیجیتالی، کشورهای جهان از لحاظ دسترسی به آی، سی، تی، به چهار دسته طبقه بندی شده اند. بر مبنای این طبقه بندی، کشورهای دارای «دسترسی بسیار بالا»، «دسترسی بالا»، «دسترسی متوسط» و «دسترسی پائین» از هم متمایز شده اند. ایران در این بررسی و سنجش با کسب امتیاز ۴۳ درصد و رتبه ۷۷ از بین ۱۷۸ کشور جهان در رده ی دسترسی متوسط قرار گرفته است (World Telecommunication Report, 2003). سازمان ملل نیز شاخصه های آمادگی الکترونیکی را در ۵ مورد زیر ساخت، نیروی انسانی، قوانین و مقررات، بودجه و اعتبارات و نقش دولت خلاصه کرده است: شاخص زیرساخت، خطوط تلفن، اینترنت و شبکه های اینترنتی و حتی مباحثی چون نرم افزار و سخت افزار را در بر می گیرد که باید گفت از این لحاظ ایران با داشتن شبکه فیبر نوری به وسعت ۳۲ هزار و ۲۴۶ کیلومتر تا آذر ۸۴ و ایجاد ۷۸۵ شرکت ISP و البته برقراری ارتباط در ۴۵ هزار و ۹۸۴ روستا، گام های اولیه را برای ایجاد زیرساخت های مناسب برداشته است.

اما زمانی این زیرساخت ها می توانست منجر به توسعه یافتگی شود که پهنای باند قابل ملاحظه ای نیز در درون فیبرهای نوری قرار گیرد و تعداد پورت های وصل شده دیتا نیز افزایش یابد. اما متأسفانه پهنای باند اینترنت ورودی به کشور از طریق ICPها آن هم از طریق ماهواره، به اضافه ی ورود از طریق فیبر نوری جمعاً به کمتر از ۲ گیگا بایت در ثانیه می رسد. که این مقدار در کشوری همچون سنگاپور با جمعیتی زیر ۵ میلیون نفر، حدود ۲۶ هزار گیگابایت در ثانیه است. علاوه بر این که در این کشور ۷۴ درصد از مردم در منازل به رایانه شخصی دسترسی دارند. بنابراین به اعتقاد کارشناسان علوم ارتباطات، زیر ساخت های کشور از لحاظ فناوری و تکنولوژی سبب شده تا ایران در زمره کشورهای مصرف کننده اطلاعات قرار گیرد. در خصوص شاخص نیروی انسانی نیز باید گفت در این شاخص که در آن تعداد دوره های (IT) در دانشگاه ها، تعداد متخصصان رایانه و مشتقات آن لحاظ می شود، به رغم وجود نیروهای جوان، تعداد مراکز علمی که مدرک معتبر ICT ارائه می کند بسیار محدود است. بنا به نظر کارشناسان، ایران به ۲ میلیون نفر دیگر متخصص IT، نیاز دارد.

از لحاظ قوانین و مقررات نیز متأسفانه در ایران توجه جدی به این امر صورت نگرفته است و همچنان به غیر از قانون تجارت الکترونیک مصوب مجلس و قوانینی که بر اساس نیاز در سازمان‌های مختلف به تصویب رسیده مقرراتی خاص در این زمینه وجود ندارد. تا سال ۱۳۸۴ در ایران ۳۶ قانون، مصوبه، ضابطه و تبصره در خصوص (ICT) از طریق ۱۲ سازمان و نهاد به دست آمده و بر این اساس ۱۲ سازمان از مجلس و دولت گرفته تا وزارت ارتباطات و بانک مرکزی و وزارت بازرگانی، قوانینی را تصویب کرده اند که این امر نبود مرجعی واحد برای قانونگذاری در زمینه ICT را هویدا می کند. بودجه و اعتبارات صرف شده برای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز ناکافی است. در حالی که در سراسر جهان بیش از ۲ هزار میلیارد دلار برای توسعه این حوزه هزینه شده است، سهم ایران با داشتن یک صدم جمعیت جهان می بایستی به ۲۰ میلیارد دلار بالغ شود اما متأسفانه مجموع هزینه های مصرف شده در کشور در دولت خاتمی، به غیر از بودجه وزارتخانه که در زمینه تلفن ثابت و همراه مصرف شده به یک میلیارد دلار هم نمی رسد. بنابراین ایران تنها یک بیستم از رقم یاد شده را صرف توسعه این پدیده کرده است. (نگاهی به جایگاه ایران در دنیای مجازی، ۱۳۸۵). جدول زیر میزان بهره مندی ایران از تکنولوژی ارتباطات در دوران ریاست جمهوری خاتمی را به نمایش می گذارد:

جدول ۴-۲: وضعیت ارتباطات در ایران (۱۳۸۴)

خطوط تلفن ثابت	۱۰۰،۰۵۷۱، ۱۴ میلیون
تلفن همراه	۴/۳ میلیون
پراکندگی ایستگاه‌های رادیویی	۷۲AM, ۵ موج کوتاه ۵
پراکندگی ایستگاه‌های تلویزیونی	۲۸ (همراه با ۴۵۰ تقویت کننده‌ی کم قدرت)
ضریب نفوذ اینترنت	۵،۲۴۶
کاربران اینترنت	۷/۵ میلیون

منبع: www.cia.gov

نگاهی به شاخص‌های رشد ارتباطات در دوران خاتمی نشان می دهد دولت وی با آگاهی از نقش برجسته ی اطلاعات و ارتباطات در نظام نوین جهانی، تلاش‌های گسترده را جهت همسو نمودن ایران با سیر تحولات جهانی انجام داد. آغاز به کار دانشگاه‌های مجازی در بخش آموزش عالی، ارائه ی طرح‌هایی همچون گسترش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش، آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، توسعه خدمات اجتماعی اقتصاد، بازرگانی، تجارت، تلاش برای ایجاد اشتغال به کمک فناوری اطلاعات و

اصلاح سیستم اداری و اطلاع‌رسانی از جمله فعالیت‌های دولت خاتمی در راستای گسترش بخشیدن به کاربرد فناوری اطلاعات در کشور بوده است؛ به طوری که می‌توان گفت وضعیت اطلاعاتی و ارتباطی ایران در این دوران رشد مثبتی داشته است. البته از این نکته نیز نمی‌توان غفلت نمود که علی‌رغم تلاش‌های خاتمی جهت ارتقای جایگاه ایران در حوزه‌ی فناوری ارتباطات، در دوران ریاست جمهوری وی نیز میزان بهره‌مندی ایران از فناوری ارتباطات و اطلاعات نسبت به سطح متوسط جهانی، رتبه‌ی پایینی را به خود اختصاص داده است. علی‌رغم تأکید سند چشم‌انداز بیست‌ساله بر ارتقاء جایگاه ایران در این حوزه‌ی به نظر می‌رسد برای دستیابی به افاق‌های این سند و سیاست‌های کلی برنامه‌ی چهارم به فصل جداگانه‌ای برای ارتباطات و توسعه‌ی مبتنی بر دانش نیاز بود تا با تصویب لایحه‌ی جامع ارتباطات، رسانه‌های کشور را برای ورود به عصر دانایی و جامعه‌ی اطلاعاتی از طریق ترسیم زیر ساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی و با توجه به شرایط بومی و ملی ایران مهیا سازد (مسعودی، ۱۳۸۴/۶/۳۱).

از سوی دیگر به دلیل عدم ارائه‌ی آموزش‌ها و فرهنگ لازم جهت استفاده از فناوری اطلاعات، ضریب بکارگیری و بهره‌وری این سیستم‌ها در ایران بسیار پایین است. بعلاوه "تولید" و درآمدزایی این فناوری در کشور (به‌خصوص در عرصه جهانی) بسیار اندک بوده است. در حالی که در کشورهای نظیر آمریکا، کانادا و انگلیس موضوعاتی همچون نقشه آن کشورها، کاریابی، بانک‌ها، سازمان‌ها و ادارات دولتی، پرچم و... بیشتر جست‌وجو شده است اما در ایران اوضاع به‌گونه‌ای دیگر است. قرار گرفتن عباراتی نظیر chat و کلمات پورنو در صدر کلمات جست‌وجو شده دغدغه‌ی کاربران ایرانی را به‌گونه‌ای دیگر نشان می‌دهد. این کلمات همچنین نشان می‌دهند که بیشتر وقت کاربران ایرانی در سایت‌های گروه تفریح و سرگرمی سپری می‌شود که بسیاری از آنها جزء سایت‌های زرد هستند (رودکی، ۱۳۸۳/۱۱/۲۶).

۲-۲- استقرار دموکراسی و پذیرش کثرت‌گرایی

با خاتمه‌ی جنگ و در اواخر دوران سازندگی (در اواسط دهه‌ی ۱۳۷۰ ه. ش) جامعه‌ی ایران تحت تأثیر تحولات داخلی ناشی از فضای نوین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، رشد جمعیت جوان و افزایش مطبوعات و تشکل‌های مدنی از یک طرف و مجموعه‌ی رخدادهای بین‌المللی پس از جنگ سرد و زوال سیستم دوقطبی و پیدایش و رونق‌گفتن نوین جامعه‌ی مدنی جهانی در سطح بین‌المللی از سوی دیگر، آستان تحولی نوین هم در عرصه‌ی داخلی و هم خارجی بود (رمضانی، ۱۳۸۱: ۸۱). در واقع ضرورت نگاه جدید به داخل و نظام بین‌الملل موجب روی کار آمدن تفکری تازه در سطح مدیریت کشور شد که با تکیه بر اصول و پایبندی

به ارزش های اسلامی، مفاهیمی چون مدارا، همراهی، تساهل و تسامح را در تعاملات خود با سایر بازیگران توصیه می کرد. این جهت گیری جدید در عرصه ی سیاست گذاری خارجی تابع تحولات قابل توجه درونی و رشد گفتمان مدنیت و جامعه ی مدنی در داخل و نیز درک تحولات و دگرگونی های نظام بین المللی و به تبع آن فرایند جامعه ی مدنی جهانی و دنیای وابستگی متقابل در خارج بود (ابراهیم آبادی، ۱۳۸۴: ۸۱). به عبارت دیگر می توان گفت سیاست-ها و رویکرد جدید دولت خاتمی آثار و نتایجی را در دو بعد داخلی و خارجی به دنبال داشت و در هر دو بعد به افزایش قدرت و توان ملی ایران منجر گردید که بصورت جداگانه به تجزیه و تحلیل این آثار و نتایج خواهیم پرداخت.

خاتمی در زمان آغاز ریاست جمهوری خود جامعه ای را تحویل می گرفت که گفتمان غالب در آن، گفتمان سنت گرایی ایدئولوژیک با ویژگی هایی همچون ضدیت با لیبرالیسم غربی و سنت روشنگری، تأکید بر بسیج توده ای و نخبه گرایی و رهبری و بالاخره اطاعت، انطباق و همبستگی بر اساس هویت مذهبی بود. این گفتمان در واکنش به فرایند فروپاشی همبستگی سنتی و توده ای شدن جامعه در عصر پهلوی پدیدار شد و با اندکی تغییری که در اثر سیاست های رفسنجانی ایجاد شده بود تا زمان روی کار آمدن خاتمی (۱۳۷۶) کماکان ویژگی های خود را حفظ نمود و در صدد بود تا امنیت از دست رفته ی دنیای سنتی را با بسیج توده ای و عرضه یک ایدئولوژی فراگیر جبران نماید (بشیری، ۱۳۷۸: ۲۷۱-۲۷۰). در چنین شرایطی خاتمی گفتمان جدید جامعه ی مدنی را البته با قرائتی متفاوت از غرب مطرح نمود که در آن از استبداد فردی و گروهی و حتی دیکتاتوری اکثریت و کوشش جهت اضمحلال اقلیت خبری نیست. در این جامعه انسان از آن جهت که انسان است مکرم و معزز است و حقوق او محترم شمرده می شود. شهروندان جامعه مدنی اسلامی صاحب حق تعیین سرنوشت خود و نظارت بر اداره امور و بازخواست از متصدیان امر هستند. حکومت در این جامعه خدمتگذار مردم است نه ارباب آنها و در همه حال در برابر مردمی که خداوند آنان را بر سرنوشت خود حاکم کرده پاسنخگو است (خواجوی، ۱۳۸۴/۶/۱۹). خاتمی در دیدار با مدیران صنایع و فارغ التحصیلان سازمان مدیریت صنعتی کشور در ۱۳۷۶/۷/۱۶ اعلام می نماید:

«اگر ما می خواهیم جامعه ی مدنی داشته باشیم، یکی از ارکان مهم این جامعه، مشارکت و حق مردم برای حاکمیت در سرنوشت خودشان و مداخله در تصمیم های اساسی است. باید آنها از طریق تشکل های رسمی و قانونی که در جامعه هست حضور داشته باشند و تشکل های صنفی، از جمله مهم ترین هسته های اولیه ی توسعه ی سیاسی و اجتماعی و رفتن به سوی جامعه ای مدنی است.»

و در جلسه ی شورای اداری استان خوزستان در ۱۳۷۶/۱۲/۱۳ می گوید:

«اصل توسعه‌ی سیاسی این است که به هر حال اختلاف نظرها و اختلاف سلیقه‌ها بسیار فراوان است و طبیعی هم هست و امکان رفع اختلاف‌ها هم نیست. ما باید زمینه‌ای بسازیم که این نظرها ابراز بشود و به هم برخورد پیدا بکند. توسعه‌ی سیاسی این است که چگونه بتوانیم با هم اختلاف داشته باشیم و دعوا نکنیم. . . هنر دولت و نظام این است که سعی کند مخالفان را به چارچوب قانون بکشاند تا در این چارچوب ابراز نظر کنند؛ نه اینکه با مخالف برخورد کنیم که تبدیل به معارض بشود. مبارز را باید به مخالف تبدیل کرد و به مخالف یاد داد و وادار کرد که در چارچوب قانون مخالفت بکند. این توسعه‌ی سیاسی است.»

خاتمی کوشید تا با تأکید بر قانون و گسترش آزادی‌های سیاسی فضای جامعه را بسوی فضایی بازتر سوق دهد و با زنده کردن قانون فراموش شده‌ی شوراها (فصل هفتم قانون اساسی)، شرایط شکل‌گیری عمیق و گسترده‌ی نهادهای جامعه‌ی مدنی و نهادینه شدن مشارکت شهروندان در همه‌ی امور جامعه را فراهم کند و همچنین میزان تحمل و قدرت همکاری جمعی را میان شهروندان افزایش دهد (تاج زاده، ۱۳۷۸، ص: ۷۸). البته ذکر این مطلب نیز لازم است که گرچه خاتمی در پیاده کردن اهداف و آرمان‌های خود و نهادینه کردن جامعه‌ی مدنی در ایران، چندان موفق نبوده است، اما او با مطرح نمودن مسائلی همچون تحمل مخالف، آشتی‌پذیری دین و آزادی، حقوق شهروندی و پذیرش انتقاد، فرهنگ سیاسی ایرانیان را ارتقاء بخشید.

در سطح داخلی جامعه‌ی مدنی مد نظر خاتمی پیامدهای قدرت ساز مهمی را به دنبال داشت که عرصه‌ی سیاست خارجی را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد. در ادامه به نمونه‌هایی از این آثار و پیامدها اشاره می‌شود.

○ **افزایش آگاهی عمومی:** پذیرش این واقعیت که دانایی مولد قدرت است، ما را بدانجا رهنمون می‌شود که ملت‌های فرهیخته و آگاه هستند که می‌توانند در صیانت از خود و هدایت نظام بین‌الملل مؤثر باشند. در غیر این صورت سلطه‌ی مبتنی بر «قدرت فارغ از اندیشه» آسیب‌پذیر بوده و از درون فروخواهد پاشید (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۷: ۶۴). خاتمی با تأکید بر این نکته معتقد است: «مردم باید بدانند حقوقی دارند. . . وقتی حکومت اسلامی مستقر شد، بسیار مهم بود که مردم بدانند سرنوشتشان را به دست حکومت نداده‌اند تا حکومت هر کاری که می‌خواهد بکند. . . مردم حق شهروندی پیدا می‌کنند. یعنی حقوقی دارند و دولت موظف است این حقوق را تأمین کند» (رضوی، ۱۳۷۹: ۱۱).

○ **قانون‌گرایی:** جامعه‌ی ایران که از نعمت داشتن یک مبنای اجماعی برای رفتارهای محروم باشد، دستخوش هرج و مرج شده و در نتیجه ضمن افت توان ملی به دلیل رقابت‌های منفی داخلی، در عرصه‌ی بیرونی نیز تصویری منفی از خود به نمایش می‌گذارد که رقبا و

دشمنانش را به آسیب رساندن به او تهییج می نماید (واعظی، ۱۳۷۷: ۵۲). به همین دلیل است که خاتمی التزام به قانون اساسی را یک ضرورت امنیتی معرفی می نماید.

دو عامل امنیت را تهدید می کنند: یک عامل خارجی و دیگری عامل داخلی... عوامل داخلی که امنیت را تهدید می کنند نیز دو دسته اند نیروهای برانداز و نیروهای خودی... منظورم از خودی کسانی هستند که نمی خواهند نظام تضعیف شود یا مردم امنیت نداشته باشند، ولی خودشان را تافته‌ی جدا بافته می‌دانند... این افراد بسادگی قانون را زیر پا می‌گذارند... ما باید از همه بخواهیم در چارچوب قانون حرکت کنند (خاتمی ۱۳۷۶/۱۲/۱۴).

○ **افزایش ظرفیت تحمل نظام:** شکل‌گیری جامعه‌ی مدنی با توجه به محوریت قانون اساسی این ظرفیت را در نظام ایجاد می نماید تا نگرشی عام و فراگیر را نسبت به تمامی بازیگرانی که در چارچوب قانون حرکت می‌نمایند، اتخاذ نماید. لذا لازم است هر بازیگری- اعم از موافق یا مخالف- در چارچوب اصول قانونی مصوب، احساس امنیت نماید. معنای این سخن آن است که ظرفیت تحمل نظام در مقابل مخالفت‌ها بالا رفته و نه تنها خود را در تهدید نمی‌بیند بلکه آن را نماد اقتدار خود در عرصه‌ی مناسبات بین‌الملل می‌سازد (افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۱). امنیت در جامعه در صورتی برقرار می شود که همه‌ی انسان‌ها بتوانند حرف خود را بزنند نه اینکه فقط موافقان حرف خود را بزنند. دولت مقتدر دولتی است که این واقعیت فلسفی، الهی و تکوینی را می پذیرد که در جامعه‌ی بشری اختلاف نظر هست... هنر در این است که این اختلاف‌ها را طوری سامان دهی کنیم که در مسیر تکامل انسان به کار افتد نه اینکه به نیرویی تبدیل شود که انرژی‌ها را مصرف کند و از بین ببرد... (خاتمی ۱۳۷۶/۸/۱۶).

○ **افزایش مشارکت عمومی:** جامعه‌ی مدنی با تأکید بر اصل مشارکت و نظارت عمومی، کاهش فساد احتمالی و افزایش کارآمدی نظام سیاسی را دنبال می نماید تا از این طریق در تقویت اقتدار ملی بواسطه‌ی جلوگیری از فساد توفیق حاصل نماید. معنای این سخن آن است که تقویت جامعه‌ی مدنی اگر چه به کوچک شدن دولت منجر می شود، اما به هیچ وجه تضعیف اقتدار را در حوزه‌ی داخل و خارج به دنبال ندارد (افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۲).

«ما اگر می‌خواهیم مقتدر باشیم نباید از یاد ببریم که متکای قدرت ما مردم هستند. ما باید با مردم پیوندی دائمی داشته باشیم... و زمینه‌ی مشارکت مردم را فراهم بیاوریم. بزرگترین عامل مصون ماندن از نفوذ دشمنان این است که مردم احساس کنند در صحنه حضور دارند» (خاتمی ۱۳۷۶/۱۰/۶).

بر این اساس، جامعه‌ی مدنی از آن حیث که به تقویت رابطه‌ی ملت-حکومت کمک می‌نماید، داده‌ای مناسب برای فائق آمدن بر «گسست ملت - حکومت» ارزیابی می شود. تقویت جامعه‌ی مدنی درون سازمان قدرت در برگیرنده‌ی چند بهره‌ی امنیتی و قدرت ساز

است که تمام آنها ریشه در این ویژگی جامعه‌ی مدنی مطابق با گفته‌ی هابرماس دارد که «جامعه‌ی مدنی از آن حیث که نفی تحمیل می‌نماید، می‌تواند رابطه‌ی ملت-حکومت را بر رضایت و اقتناع بازسازی نماید و در نتیجه تولید گونه‌ای از قدرت ممکن می‌شود که به افزایش اقتدار و توان ملی کمک می‌کند (Habermas, 1989:146). نتایج و آثار امنیتی و قدرت ساز جامعه‌ی مدنی از این قرارند:

۱. کاهش تعارضات داخلی: در صورتی که اصل آزادی و تکثر در چارچوب قانون رعایت شود به طور طبیعی مانع از تراکم نارضایتی‌ها و پنهانی عمل کردن آنها خواهد شد. «آفت امنیت عدم شفافیت و زیرزمینی شدن اندیشه‌هاست. اگر تنوع داشته باشیم و بگذاریم صداهای مختلف در جامعه شنیده شوند، بی‌تردید جلوی مقاومت‌های زیر زمینی گرفته خواهد شد و یا از شدت آن کاسته می‌شود» (خاتمی ۱۳۷۷/۹/۵)؛ «باید فضایی در جامعه باشد که... همه را به رعایت قانون وادار کنیم و هنر این است که معاندان را به مخالف وفادار به قانون و مخالفان را به دوستداران نظام تبدیل کنیم» (خاتمی ۱۳۷۷/۶/۷).

۲. کاهش تهدیدات خارجی و تولید قدرت ملی: از دیدگاه خاتمی اصلاح رابطه‌ی ملت-حکومت اگر چه موضوعی داخلی به شمار می‌رود، اما از آن حیث که سطح و میزان آسیب‌پذیری‌ها را کاهش می‌دهد، مقوله‌ای است که در سطح سیاست خارجی قابل بررسی است. به عبارت دیگر، امکان وقوع تهدید خارجی در صورت تقویت ساخت قدرت داخلی به شدت کاهش خواهد یافت. از سوی دیگر حمایت عمومی از نظام سیاسی، همچون منبع فعال تولید قدرت عمل نموده و ضریب ایمنی کشور را افزایش می‌دهد؛ چرا که اصلاح رابطه‌ی ملت-حکومت می‌تواند همیاری و مشارکت مردم را به دنبال داشته باشد که این امر مهم‌ترین کانون قدرت در عصر حاضر به شمار می‌آید. لذا خاتمی می‌گوید: «اگر مردم بر اساس اراده و احترام حکومت را بخواهند، اقتدار تحقق می‌یابد و به دنبال آن امنیت در کشور ایجاد خواهد شد. در حالی که اگر حکومت بر مبنای قدرت شکل بگیرد، آن وقت ارتباط مردم و حکومت بر مبنای ترس خواهد بود... و چنین حکومتی آسیب‌پذیر است» (خاتمی ۱۳۷۸/۱۰/۲۶).

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که جامعه‌ی مدنی نزد آقای خاتمی اگر چه به سان راهکاری کارآمد و مدرن در فایق آمدن بر پدیده‌ی منفی «تغلب» و «دام خودکامگی» که از آن به عنوان آفتی دیرینه در اندیشه و تاریخ مسلمانان یاد نموده است، مطرح می‌باشد، اما دامنه‌ی پیامدهای آن بسیار گسترده تر از حوزه‌ی سیاست داخلی بوده و به مثابه‌ی منبع اصلی تولیدکننده‌ی قدرت در عرصه‌ی سیاست خارجی نیز محسوب می‌گردد (افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۸). به عبارت دیگر، رشد جامعه‌ی مدنی در داخل موجب اصلاح ساختار و کارکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز گردیده است. یعنی از یکسو در نوع و تعداد بازیگران اثرگذار بر

تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی تغییراتی حاصل شده است و از سوی دیگر در انطباق محیط روانشناختی زمامداران با محیط عملیاتی جامعه‌ی جهانی و نیز تقویت ایستارهای مسالمت‌جویانه و جهت‌گیری‌های همکاری‌طلبانه و نیز در پیش گرفتن سیاست باز به جای انزوای طلبی اجباری یا داوطلبانه مؤثر بوده است (دهشیری، ۱۳۷۸: ۲۶-۲۳). به این ترتیب سبب بهبود پرستیژ سیاسی کشور در سطح نظام بین‌الملل و افزایش اقتدار و نفوذ ایران گردیده است.

انتخابات خرداد ۱۳۷۶ و نتایج آن و همچنین عنصر شخصیت و کاریزمای خاتمی از دیگر فاکتورهایی هستند که به همراه عوامل فوق سبب افزایش قدرت نرم افزاری ایران و تغییر فضای بین‌المللی به نفع ایران شدند. تغییرات نسلی، آموزشی، جنسیتی، شهرنشینی و مشارکت گسترده‌ی ایرانی‌ها در تعیین سرنوشت سیاسی خود به ایران جایگاهی جدید در منظر صاحبان اندیشه و همچنین مردم عادی در سرتاسر جهان داد و ثابت کرد که ایران به هیچ رو جامعه‌ای ایستا نیست که بتوان با یک یا چند نظرگاه منجمد و قالب بندی شده بدان نگریست. از سوی دیگر، سید محمد خاتمی نیز در چارچوب گفتمان‌ها و هنجارهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران توانست شخصیتی از خود به جهان عرضه کند که ترکیبی از صداقت و بیان قابل فهم بین‌المللی را در خود داشت. جهان به حرف‌های خاتمی به عنوان یک سیاستمدار صادق نگریست (سجادپور، ۱۳۸۱: ۱۵۰). به علاوه او نیز به زبانی با جهان سخن گفت که برای جهانیان قابل درک، فهم و احترام بود. در عین حالی که خاتمی بومی سخن می‌گفت؛ اما در چهارچوبی جهانی حرکت می‌کرد. قدرت تلفیق ارزش‌های انقلابی و بومی با معیارهای بین‌المللی، همراه با آشنایی وی با حساسیت‌های فکری جهان مخصوصاً در امکان همراهی دین و آزادی، برای شخص او فضایی را به وجود آورد که نظرات ایران با احترام مورد توجه جهانیان قرار گیرد.

نوع نگرش، منش و رفتار خاتمی به عنوان یک دولتمرد در مجموع باعث شد که هم معیارهای مدیریت عالی کشور و هم سطح توقع جامعه‌ی بین‌المللی از رییس جمهوری اسلامی ایران بالا برود (خانیکی، ۱۳۸۴/۴/۲۹). در مصاحبه با CNN که یکی از تاریخی‌ترین ارتباطات انسانی را به وجود آورد، رئیس‌جمهور ایران نه فقط با مردم آمریکا بلکه با جهانیان سخن گفت و توانست در یک لحظه دیدگاه میلیون‌ها انسان را در سرتاسر جهان به نفع ایران تغییر دهد (Sicherman, 1998).

دیدگاه‌های سیاسی خاتمی و شرایط و امکانات کشور سبب گردید تا خاتمی راهکار سیاسی و دیپلماتیک را برای تحقق بخشیدن به اهداف سیاست خارجی خویش برگزیند. از این زمان بود که سیاست خارجی ایران به نحوی شایسته‌تر توانست به مفهوم سازی پردازد و با توجه به فضای بین‌المللی ایجاد شده، این مفهوم سازی برشی عمیق‌تر یافت و مقبولیتی عام‌تر

در منطقه و جهان کسب نمود. به این صورت که خاتمی به منظور ارائه ی تصویری واقع‌بینانه از نظام و خروج از انزوای بین‌المللی، بر دو مفهوم کلیدی تنش‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها، به عنوان ابزار تحقق اهداف سیاست خارجی خویش تأکید می‌نمود (Ramazani, 6:1998). خاتمی با درک و شناخت خاص خود از نظام بین‌الملل نوین کوشید تا با ارائه ی راهکارها و ابتکاراتی، ایران را به نظام بین‌الملل پیوند دهد و برای تأمین منافع و ارتقای جایگاه ایران در نظام بین‌الملل، بر خلاف سال‌های نخست پیروزی انقلاب سیر حرکت ایران را همسو و هم‌جهت با دیگر اعضای جامعه ی جهانی قرار دهد. او در مصاحبه با سیمای جمهوری اسلامی در ۲۷ و ۲۸ آذر سال ۱۳۷۶ اعلام نمود:

ما در دنیای بهم پیوسته ای بسر می‌بریم که در آن هیچ قوم و ملتی نمی‌تواند با بستن درهای خود به روی جهان، زندگی سرفرازانه ای داشته باشد و رابطه اش هم با جهان اگر بخواهد رابطه ای مفید باشد باید از موضع استقلال و عزت و البته احترام متقابل باشد. ما اعلام کردیم که سیاست ما این است و در درجه ی اول در دنیای اسلام و بخصوص در منطقه، خواستار همکاری و دوستی با حفظ مواضع خاصی که هر کشوری برای خودش دارد، هستیم. خاتمی با ارائه ی تعریفی عقلایی-عرفانی از انسان، منادی پارادایمی جدید در رفتار انسانی گشت که کشش‌های غریزی و محاسبات عقلایی را تابعی از عشق انسانی قرار می‌دهد. اگر چه خاتمی هم همچون هانتینگتون وضعیت موجود را مطلوب نمی‌شمرد، ولی برخلاف هانتینگتون به جای موازنه‌ی قدرت و برخورد تمدنی به گفتگوی تمدنی رأی می‌دهد (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۴۷۷). البته انگاره‌ی «گفتگوی تمدن‌ها» به گونه ای که محمد خاتمی مطرح و از آن استفاده نمود، در ابعادی همچون استفاده از ابزار گفتگو به جای استفاده از زور در عرصه ی بین‌المللی، با مفهوم مذاکره‌ی دیپلماتیک متعارف شباهت‌هایی دارد اما چیزی بسیار بیشتر از آن و متفاوت با آن است؛ زیرا اولاً گفتگوی تمدن‌ها دولت محور نیست و به‌طور غیرمستقیم کنش‌گران دیگری غیر از دولت‌ها (مانند افراد و گروه‌های مختلف) را در صحنه‌ی بین‌المللی به رسمیت می‌شناسد، ثانیاً مبتنی بر برداشتی ضد واقع‌گرایانه (Anti-realistic) و ضد سیاست قدرتی (Anti-power-politic) از جهان است و خشونت در سطح بین‌المللی را اجتناب‌ناپذیر تلقی نمی‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

تکیه بر مفاهیم تنش‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها و مفاهیم دیگری که به نحوی در ارتباط با این دو مفهوم قرار می‌گیرند، نظیر اعتمادسازی، مشارکت، مذاکره و تفاهم مورد استقبال عمومی دولت‌ها قرار گرفت (Maleki, 2003:34). تجلی این مقبولیت را می‌توان در قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مبنی بر اعلام سال ۲۰۰۱ به عنوان سال گفتگوی تمدن‌ها نظاره گر بود. هر چند این مفاهیم در مرحله‌ی عملیاتی نیازمند توسعه و

بازسازی بودند اما کم و بیش به حالت اجماعی، به عنوان سیاست های نظام مشخص شده و در سخنان مقامات طراز اول و مجموعه‌ی دیپلماتیک ایران پژواک یافتند. در پی مفهوم‌سازی در سیاست خارجی، در عرصه‌ی عمل نیز دولت خاتمی به توسعه‌ی روابط خارجی ایران پرداخت (ابوالفتح، ۱۳۸۳: ۶). خاتمی کوشید تا با کمرنگ نمودن نقش ایدئولوژی در حوزه‌ی تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی، ابعاد دموکراتیک را به محاسبات عملگرایانه از منافع ملی اضافه کند (Shah Alam, 1:2000).

بهبود روابط با عربستان (که از زمان کشتار حجاج در سال ۱۳۶۶ قطع شده بود) برای حفظ قیمت جهانی نفت، فاصله گرفتن از حکم قتل سلمان رشدی و معرفی آن به عنوان حکم شخصی یک فقیه مذهبی و نه سیاست رسمی دولت جمهوری اسلامی، بهبود و گسترش روابط با کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا، جذب و حمایت از سرمایه‌های خارجی مبتنی بر قوانین بین‌المللی و داخلی و مشارکت مؤثر در عرضه‌ی انرژی در جهان، محکوم کردن حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و متعاقب آن کمک به سرنگونی رژیم طالبان و مشارکت در بازسازی افغانستان، از جمله نمودهای بارز این امر بودند (Ramazani, 2004:2). از سوی دیگر طرح ایده‌های مختلف همچون پیشنهاد جامعه‌ی مدنی جهانی در سال ۱۳۷۷، طرح قطعنامه‌ی «حق فرهنگی» و «تنوع فرهنگی» در مجمع عمومی سازمان ملل طی سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹، طرح تأسیس آکادمی و مرکز تحقیقات برای مطالعات پناهندگی و مهاجرت و طرح تقویت همکاری‌های منطقه‌ای در آسیا و اقیانوسیه، از جمله تلاش‌های دستگاه سیاست خارجی کشور برای ارتقاء موقعیت و منزلت سیاسی کشور در افکار عمومی جهانی بود (کریمیان، ۲۰۰۴: ۶).

نتیجه

در این تحقیق به بررسی و مطالعه‌ی سیاست‌های نرم‌افزاری دولت خاتمی و تأثیر آن بر افزایش قدرت ملی ایران پرداختیم. انجام این پژوهش نشان داد، سیاست‌های صلح‌طلبانه و وجهه‌ی فرهنگی دولت خاتمی و به عبارتی قدرت نرم‌افزاری ایران به‌ویژه پس از گسترش سیاست تنش‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها، به افزایش نفوذ و اقتدار ایران در صحنه‌ی بین‌المللی منجر گردیده و سبب تمایز دولت خاتمی نسبت به دولت‌های پیشین شده است. تلاش‌های خاتمی برای تغییر چهره‌ی ایران به یک بازیگر سازنده و پیوند دادن ایران با روندها و مناسبات جهانی از جمله مؤلفه‌هایی بوده است که قدرت نفوذ و وجهه‌ی ایران را بهبود بخشیده است. تلاش خاتمی برای اصلاح و توسعه‌ی فرهنگ سیاسی در ایران و تأکید وی بر جامعه‌ی مدنی و قانون‌گرایی نیز تأثیرات شگرفی در سیاست خارجی وی داشت. این

مسئله سبب شد تا از یکسو خاتمی و اعضای دولت او در حوزه‌ی سیاست خارجی نیز با تقویت ایستارهای صلح‌آمیز و همکاری جویانه، به مشارکت فعال و آگاهانه در محافل بین‌المللی و حرکت در جهت وابستگی متقابل و گفتگوی بین‌تمدنی پردازند و از سوی دیگر سایر بازیگران نظام بین‌الملل نیز متأثر از رفتار و جهت‌گیری‌های دولت خاتمی، تمایل خود را برای افزایش و تقویت مناسبات با ایران نشان دهند؛ که این امر نیز خود نشان از تأثیر سیاست‌های نرم افزاری دولت خاتمی در بهبود وجهه و افزایش پرستیژ ایران در سطح نظام بین‌الملل دارد.

منابع و مأخذ:

الف - فارسی

۱. آیین نامه‌ی نحوه‌ی اجرای فعالیت‌های مشخص به منظور گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور. (۱۳۸۱/۴/۹).
۲. ابراهیم آبادی، غلامرضا. (۱۳۸۴). "جایگاه جامعه‌ی مدنی در سیاست‌گذاری خارجی (بررسی موردی ایران)". **فصلنامه‌ی سیاست خارجی**، سال نوزدهم، شماره ۱.
۳. افتخاری، اصغر. (۱۳۸۴). "نشانگان امنیت در سیاست خارجی خاتمی". **سیاست خارجی**، سال نوزدهم، شماره ۱.
۴. ابوالفتح، امیرعلی. (بهمن ۱۳۸۳). "ایران، بازیگر سازنده". **همشهری دیپلماتیک**، شماره ۳۹.
۵. آموزش الکترونیکی در ایران. (مهر ۱۳۸۰). **نشریه‌ی وب**، شماره ۱ دوم.
۵. تافلا، الوین و هایدی. (۱۳۷۲). "جنگ و ضد جنگ: بقاء در آستانه‌ی قرن بیست و یکم". ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: سیمرغ.
۶. جدیدترین آمار تعداد کاربران اینترنت در ایران. (۱۳۸۴). <http://www.itmportal.com>. تاریخ مراجعه: ۱۳۸۵/۳/۸.
۷. خانیکی، هادی. (۱۳۸۴/۴/۲۹). "خداحافظ رئیس‌جمهور، سلام خاتمی". خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا). www.isna.ir تاریخ مراجعه: ۱۳۸۵/۸/۷.
۸. خاتمی، سید محمد. (۱۳۷۶/۱۲/۱۴). سخنرانی در جمع اعضای ستادهای انتخاباتی در خوزستان. از کتاب: لعلی، مسعود. **خاتمی از چه می‌گوید**. (۱۵۷) تهران: آزادی اندیشه.
۹. خاتمی، سید محمد. (۱۳۷۶/۸/۲۷). مصاحبه با سیمای جمهوری اسلامی ایران. از کتاب: لعلی، مسعود. **خاتمی از چه می‌گوید**. (۱۵۷) تهران: آزادی اندیشه.
۱۰. خاتمی، سید محمد. (۱۳۷۷/۹/۵). روزنامه‌ی جمهوری اسلامی.
۱۱. خاتمی، سید محمد. (۱۳۷۷/۶/۱۷). روزنامه‌ی سلام.
۱۲. خاتمی، سیدمحمد. (۱۳۷۶/۱۰/۷) سخنرانی در دانشگاه مکتو قلی ترکمنستان. از کتاب: لعلی، مسعود. **خاتمی از چه می‌گوید**. (۱۵۷) تهران: آزادی اندیشه.
۱۳. دهشیری، محمدرضا. (۱۳۷۸). "تأثیر جامعه‌ی مدنی بر سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران". **مطالعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۱-۱۴۵-۱۴۶.
۱۴. دبیبی اصل، حسین. (۱۳۸۲/۱/۲۶). "اطلاعات، ارتباطات و مخابرات". <http://www.techds.org>. تاریخ مراجعه: ۱۳۸۵/۵/۳.

۱۵. ذکریا پورصیاد، محترم. (اسفند ۱۳۸۲). "فرهنگ مشارکت سلسله مراتب بین المللی علیه تروریسم". همشهری دیپلماتیک، شماره ۸.
۱۶. رضوی، مسعود. (۱۳۷۹) "جامعه ی مدنی، دوم خرداد و خاتمی". تهران: فرزانه روز.
۱۷. رضایی، روح الله. (۱۳۸۱) "چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران". ترجمه ی علیرضا طیب. تهران: نی.
۱۸. رودکی، مهدی. (۱۳۸۳/۱۱/۲۶). "اینترنت شهر برفی". <http://www.tarashe.com> تاریخ مراجعه: ۱۳۸۵/۵/۱۲.
۱۹. سیف‌زاده، سیدحسین. (۱۳۸۴ زمستان ج) "نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین الملل فردی-جهانی شده: مناسبت و کارآمدی". تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۲۰. سیف‌زاده، سیدحسین. (۱۳۷۹). "جهانی شدن، عرصه ی برخورد یا گفتگوی تمدن‌ها، از واقعیت موجود تا حقیقت موعود". سیاست خارجی. سال ۱۴، شماره ی ۲.
۲۱. سجادیپور، سید کاظم. (۱۳۸۱)، "سیاست خارجی ایران". تهران: وزارت امور خارجه.
۲۲. شعبانی، احمد. (بهار و تابستان ۱۳۸۳). "مبانی برنامه ی توسعه و کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در نظام آموزش و پرورش". فصلنامه ی اطلاع رسانی. دوره ی ۱۹، شماره ی ۳ و ۴.
۲۳. صدر، بنیامین. (۱۳۸۲/۹/۱). "تولدی دیگر، جامعه ی اطلاعاتی بیمه‌ها و امیدها". روزنامه ی شرق.
۲۴. طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). "فناوری ارتباطی و اطلاعاتی، جهانی شدن و پیامدهای سیاسی آن". www.did.ir تاریخ مراجعه: ۱۳۸۵/۶/۱۳.
۲۵. کاظمی، علی اصغر. (۱۳۶۹) "نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل". تهران: پیک.
۲۶. کریمیان، کامیل. (۲۰۰۴). "سیاست خارجی در عصر اصلاحات: از آغاز تا انجام". www.did.ir تاریخ مراجعه: ۱۳۸۵/۲/۴.
۲۷. محسنی، منوچهر. (۱۳۸۱) "جامعه شناسی جامعه ی اطلاعاتی". تهران: دیدار.
۲۸. میرزا امینی، محمدرضا. (مهر ۱۳۸۴). "لزوم ایجاد تحول در نظام جمهوری اسلامی ایران". <http://www.sharifthink.com> تاریخ مراجعه: ۱۳۸۵/۴/۳.
۲۹. مسعودی، امید. (۱۳۸۴/۶/۳۱). "علم نوین ارتباطات". <http://www.media.com> تاریخ مراجعه: ۱۳۸۵/۶/۸.
۳۰. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۴). "جایگاه گفتگوی تمدن‌ها در نظریه ی روابط بین الملل". از کتاب: گفتگوی تمدن‌ها، مبانی مفهومی و نظری. گردآوری و تدوین: بهرام مستقیم. تهران: دانشگاه تهران.
۳۱. نای، جوزف. (۱۳۸۴). "مزایای قدرت نرم". همشهری دیپلماتیک. شماره ی ۵۶.
۳۲. نگاهی به جایگاه ایران در دنیای مجازی. (۱۳۸۵). www.shomalnews.com تاریخ مراجعه: ۱۳۸۵/۳/۳.
۳۳. واعظی، احمد. (۱۳۷۷) "جامعه ی دینی، جامعه ی مدنی". تهران: هدیه.
۳۴. همایش هم‌اندیشی شرکت‌های رایانه‌ای برای توسعه ی ICI در آموزش و پرورش. (بهمن ۱۳۸۱). تکفا. سال اول، شماره ی اول.

ب - خارجی

- Henderoom, J. (1989) "The Globalization of High Technology Production". London. New York: Routledge.
- King, Antony D. (1991) "Spaces of Culture, Spaces of Knowledge", A.D. King, (Ed), **Globalization and world system: Contemporary conditions for the Representation of Identity**, (1) New York: Maccillan.
- Maleki, Abbas. (2003). "Iran's Foreign Policy after 11 September". **Internashnal Institut for Caspian Studies**. Vol. IX, Issue. 2. Retrieved 24 April 2005.
- Nye, Josef. (2004) "The Means to Success In world Politics.

New York: Public Affairs.

5. Ramazani, R. K. (1998). *The Shifting Premis of Iran's Foreing Policy: Towards a DemocraticPeace*. **The Middle East Jurnal**. 11, Retrieved 12 march2006.
6. Ramazani, R. K. (2004). "Ideologe and Pragmatism in Iran's Foreign Policy". **The Middle East Journal**. Washangton. Vol. 58, Pg. 547. Retrieved 24 April 2005.
7. Shah Alam. (December 2000). "The Chengig Paradigm of Iranian Foreign Policy under Khatami". **Sterategic Analysis, a Montly Journal of the IDSA**. Vol, XXIV. No. 9. Retrieved 24 december2005.
8. Sicherman, Harvey. (1998). "The Iranian Gorbachev: Khatamies New Thinking". **Middle East and Islamic Studies**. [htt: //www. Library. com](http://www.Library.com). Retrieved 24 december2005.
9. Soft-hard power. (15/5/2006). [htt: //en. Wikipedia. Org/wiki/soft-hard power_2](http://en.Wikipedia.Org/wiki/soft-hard_power_2) Retrieved 24 may 2006.
10. World Telecommiunication Development Report. (2003). International Telecommiunication union. [www. itu. int/itu-d/ict](http://www.itu.int/itu-d/ict). Retrieved 24 december2005.